

رئیس، وعده های دروغین؛ اما تشدید سرکوب توده ها

با گذشت یک سال از رئیس جمهور شدن رئیسی و تشکیل دولت وی در رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی بوضوح شاهد وخیم تر شدن شرایط اسفناک زندگی مردم در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و تشدید سرکوب اعتراضات و مبارزات آن ها می باشیم. رئیسی شاید برای فریب توده ها در زمان به اصطلاح انتخابات، وعده های گوناگونی در مورد بهبود وضعیت توده ها به مردم داد که در اینجا به برخی از آنها اشاره ای کوتاه می کنم. تهیه ۴ میلیون مسکن و یک میلیون شغل در سال، کاهش هزینه های سلامت و درمان، افزایش حقوق کارگران متناسب با رشد تورم، تک رقمی کردن تورم، اجرای رتبه بندی معلمان، دو برابر کردن یارانه ها، مبارزه با گرانی و مهمتر از همه ریشه کن کردن فقر.

در وعده های دروغین رئیسی جلاد، ریشه کنی فقر در اولویت قرار داشت و او تاکید می کرد که فقر مطلق نباید به سال ۱۴۰۱ برسد و باید در همان سال ۱۴۰۰ ریشه کن شود. همه این وعده ها را الان هم می توان در گفتگوهای انتخاباتی و یا فیلم های تبلیغاتی آن زمان مشاهده کرد. اما آنچه در عمل رخ داد چه بود؟

طبق گزارش بانک مرکزی به تاریخ آبان سال ۱۴۰۰ در شش ماه اول سال ۱۴۰۰ مواد خوراکی بین ۳۰ درصد تا ۱۰۰ درصد گران تر شده است که این قیمت ها امروز و در سال ۱۴۰۱ به شکل سرسام آوری بالاتر رفته است و به همین دلیل هم شاهد گسترش بی سابقه فقر در دولت رئیسی هستیم. تا جایی که آمار جرم و سرقت که با امر فقر رابطه تنگاتنگ دارد در این فاصله افزایش بی سابقه ای پیدا کرده است. چنانچه یکی از کارشناسان خود رژیم و استاد دانشگاه، بنام وحید شقاقی در ارتباط با گسترش فقر به موضوع سرقت و زورگیری اشاره می کند و می گوید: "واقعیت این است که موضوعی تحت عنوان «اقتصاد جرم» در ادبیات اقتصادی وجود دارد. بیکاری، نابرابری و فقر می تواند ریشه های اقتصادی جرم را تبیین کند. تحلیل اقتصادی پدیده جرم نشان می دهد در ایران هر چقدر فقر، نابرابری و بیکاری افزایش داشته، دزدی هم بیشتر شده است. «سرقت و زورگیری» از جمله این جرایم است که در خیابان ها شاهدش هستیم." بی دلیل نیست که در مدت یک ساله انتصاب این قاتل، کودک فروشی و یا فروش اعضای بدن و صدها مشکلات و دردهای دیگر مردم گسترش هر چه بیشتری پیدا کرده است و در واقعیت بر عکس وعده های دروغین وی شاهد گسترش فقر در جامعه می باشیم. بطور مثال و طبق گزارش های منتشر شده در ماه های اخیر ما شاهد افزایش بی سابقه خودکشی و همچنین افزایش تعداد کارتن خواب ها، گور خواب ها، معتادان و تن فروشان بوده ایم. و دردناکتر آنکه شاهد گزارشانی در روزنامه های خود جمهوری اسلامی مبنی بر پیدا شدن چندین نوزاد در میان زباله ها بوده ایم. همچنین در دو سال گذشته دو میلیون از کودکانی که از خانواده های کارگران و زحمتکشان می باشند، به دلیل فقر شدید ترک تحصیل کرده اند.

از وعده های دیگر رئیسی منفور می توان به کاهش هزینه های درمان اشاره کرد. او که وعده کاهش ۵۰ درصدی هزینه های درمانی را به مردم داده بود در عمل سیاست هائی در پیش گرفت که مردم با افزایش ۶۰ درصدی تعرفه های پزشکی مواجه شدند و در فروردین سال جاری خیرگزاری های رژیم گزارش دادند که افزایش تعرفه های پزشکی از جیب مردم پرداخت خواهد شد. این در شرایطی بود که در اردیبهشت ماه، مهدی اسماعیلی یکی از نمایندهای مجلس ارتجاع گفت: "تحمل افزایش هزینه های درمان از عهده مردم خارج است". همچنین در ادامه وعده های دروغین این جلاد می توان به ادعاهایش در مقابله با کرونا اشاره نمود که عملا به عدم مقابله جدی با این اپیدمی (کرونا) بدل شد. طبق آمارهای منتشر شده، در حالیکه مرگ و میر ناشی از کرونا به کمترین تعداد در سطح جهانی رسیده است، اما این آمار در شهریور ماه گذشته در ایران از ۷۰۰ نفر تجاوز کرد. رئیسی و دولت ارتجاعی آن به دلیل عدم استفاده از واکسن های معتبر جهانی و یا نارسایی و کمبود تولید واکسن داخلی باعث مرگ صدها تن از مردم ایران گشته اند.

از دیگر وعده های شیادانه و دروغین رئیسی منفور مبارزه با گرانی و حل مشکلات معیشتی مردم بود، اما فقط بعد از مدت کوتاهی از روی کار آمدن او گرانی و تورم گسترش و شتاب بیشتری پیدا کرد، بطوریکه در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ با اعلام رسمی بهای مرغ، لبنیات و تخم مرغ اعتراضات و تظاهرات بسیاری علیه گرانی در ۸ استان و ۲۱ شهر مانند اندیمشک، ایذه، شهر کرد و دیگر شهرهای ایران شکل گرفت و شعارهایی چون "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر رئیسی"، "رئیسی دروغ گو، حاصل وعده هات کو"، "رئیسی حیا کن، مملکت رو رها کن" و شعارهای اعتراضی بی شمار دیگری سر داده شد و در بعضی موارد این اعتراضات مردم با شلیک نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی روبرو گردید. وضعیت گرانی در ایران به قدری تاسف آور و اسفناک است که در یکی از ویدیوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی در فروشگاه "اتکا" مردم برای خرید روغن به آن هجوم برده و مانع چیدن شیشه های روغن توسط کارکنان در قفسه ها شدند و روغن و دیگر مواد غذایی را با خود به بیرون بردند. در ضمن بالاترین رشد قیمت، مربوط به روغن خوراکی می باشد که هر بطری روغن ۸۱۰ گرمی به پنج برابر قیمت قبلی رسیده است. از بالا رفتن قیمت ها می توان به دو برابر شدن قیمت برنج پس از حذف ارز ترجیحی و یا این که قیمت هر شانه تخم مرغ به دو برابر افزایش پیدا

کرده است هم اشاره کرد. بنابراین با توجه به اینکه بیشتر از ۷۰ درصد مردم در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند با روی کار آمدن رئیسی جلاد به تعداد آنان بسیار افزوده شده است.

بر اساس گزارش جدید مرکز آمار: نرخ تورم نقطه به نقطه تیر ماه در بخش خوراکی ها و آشامیدنی ها، در هیچ یک از استان های ایران زیر ۷۰ درصد نبوده است. همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه این گروه از مایحتاج معیشت مردم در این مدت در ۱۰ استان به بیش از ۹۰ درصد رسیده است که یکی از دلایل آن حذف ارز ترجیحی توسط دولت رئیسی می باشد که منعی برای جبران کسری بودجه دولت است. اما این امر باعث افزایش قیمت ها و خدمات از طرف دولت شده است. روی این نکته باید تأکید کرد که رئیسی جنایتکار در حالی مدعی مبارزه با گرانی است که یکی از برنامه هایش حذف ارز ترجیحی بود. حذف ارز ترجیحی از خواسته های نهادهای امپریالیستی همچون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بود که به دولت ایران دیکته شد و به طور طبیعی تورم را افزایش داد و باعث تشدید گرانی قیمت کالاهای مود نیاز مردم گردید.

در ادامه برخورد به وعده های دروغین رئیسی از قول او برای ساختن یک میلیون مسکن در سال هم باید یاد کرد که در عمل نه تنها در سال گذشته مسکنی ساخته نشد بلکه اجاره ها هم به طور بی سابقه ای افزایش پیدا کرد، بطوریکه معاون وزیر راه و شهر سازی می گوید که در یک سال گذشته اجاره ها ۵۰ درصد افزایش یافته است و این در حالی است که ۵/۸ میلیون خانوار مستاجر در کشور وجود دارد.

در یک سال گذشته برغم همه وعده های دروغین و نسبه رئیسی جنایتکار که دستانش تا مرفق به خون بهترین فرزندان این مرز و بوم آغشته است اما این جلاد یک عمل نقد در پرونده خود داشت آنهم تشدید کشتار و سرکوب، اختناق، گرانی، زندان و اعدام و ... بوده است. بعنوان مثال فقط در جریان اعتراضات علیه گرانی در اردیبهشت و خرداد ماه سال جاری تعدادی از تظاهرکنندگان به ضرب گلوله کشته و ده ها تن دستگیر و زندانی شدند. در همان حال تعداد زیادی از معلمان زحمتکش دستگیر و روانه زندان ها شده و در بدترین شرایط ممکن بسر می برند. به واقع رئیسی قاتل تنها موردی را که از زمان به قدرت رسیدنش با همه توان انجام داده همانا سرکوب اعتراضات و مبارزات توده ها بوده است که افزایش شدید تعداد زندانی های اعدام شده جلوه ای از آن می باشد.

کارنامه رئیسی

در خاتمه این مطلب غیر ضروری نیست که مروری کوتاه به کارنامه پر از سرکوب و کشتار او داشته باشیم. ابراهیم رئیسی که در بین توده ها معروف به "قاتل بچه های مردم" می باشد؛ هشتمین رئیس جمهور منفور رژیم ستمگر جمهوری اسلامی است که به تاریخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۰، در ادامه جنایت ها و فریبکاری هایش کار خود را به عنوان رئیس جمهور آغاز کرد تا بتواند چند صباحی به عمر پر از سرکوب و کشتار رژیم سفاک حاکم بیافزاید. همانطور که می دانیم رئیسی در سال ۱۳۶۷ "عضو هیات مرگ" در زندان های اوین و گوهردشت کرج بوده که به دستور خمینی جلاد، در قتل عام هزاران زندانی سیاسی دستانش تا مرفق به خون فرزندان پاک و راستین این مرز و بوم آغشته گشته است. بی دلیل نیست که مردم در اعتراضات سراسری دی ماه سال ۱۳۹۶ آگاهانه شعار "رئیسی لو رفته، قاتل شصت و هفته" را سر دادند.

در همین رابطه، رئیسی قاتل سه روز پس از نتایج انتصابات ریاست جمهوری، در اولین کنفرانس خبری، درباره "اتهام" (جنایت علیه بشریت) و نقش او در اعدام های تابستان سال ۱۳۶۷ با وقاحت تمام گفت: "در نقش دادستان از حقوق همه شهروندان ایرانی دفاع کرده و بابت اقداماتش در آن پرونده به عنوان قاضی باید مورد تشویق قرار بگیرد".

البته جنایات و وحشی گری های این جلاد تنها به قتل و عام سال ۱۳۶۷ محدود نمی گردد. او از آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و به خصوص در حمله سراسری این رژیم به توده های انقلابی ایران، به قتل و کشتار مردم مشغول بود و درست با نشان دادن "قابلیت" خود در جنایت مدارج به اصطلاح ترقی را تا رسیدن به "عضو هیات مرگ" طی کرد. یکی دیگر از جنایات شناخته شده این جلاد به آبان سال ۱۳۹۸ بر می گردد که طی آن بیش از ۱۵۰۰ نفر از هموطنان مبارز ما در مدت کمتر از چند روز کشته و به خاک و خون کشانده شدند. درست است که این کشتارها به دستور مستقیم خامنه ای جنایت کار و اراذل اوباش سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی صورت گرفت اما پر واضح است که دستگاه قضایی رژیم در آن زمان به دست رئیسی جانی کنترل می شد و او نقش بسیار موثری در اعدام ها و دستگیری های سراسری آبان سال ۱۳۹۸ را بعهده داشت. همچنین باید به نقش مذبوحانه و پر رنگ او در سرنگونی هواپیمای اوکراینی با ۱۷۶ کشته اشاره کرد که رئیسی در اینجا هم، به عنوان عالیترین مرجع قضایی رژیم بود که آگاهانه چشم خود را در برابر این جنایات ددمنشانه بست تا حدی که حتی مانع آن گردید که سیستم قضایی به دنبال عاملان و مسببین این کشتار دسته جمعی بروند.

یکی دیگر از وحشی گری های او در تاریخ ۴ آبان ۱۳۸۹ به اجرا در آوردن مجدد حکم وحشیانه و قرون وسطایی قطع دست و اعلام آن به جامعه بود. این امر در مورد قطع دست کسی که سارق گوسفند نامیده شد، با گیوتین در مشهد عملی شد. با توجه به واکنش های بسیاری که این جنایت وحشیانه در پی خود داشت، رئیسی در پاسخ به اعتراضات مردم گفت: "قطع دست در رژیم جمهوری اسلامی از افتخارات بزرگ ماست". طبق گزارش

عفوین المللی در آذر ماه سال ۱۳۹۹ در طی ۲۰ سال گذشته، یعنی در سال هایی که رئیسی قاتل از مهم ترین افراد قوه قضایی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بوده برای ۲۶۴ نفر در ایران حکم قطع دست صادر شده که اجرای ۱۲۹ نفر از آنان تثبیت و تایید گردیده است. حقیقت این است که در رژیم سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی سردمداران و مزدوران آن چه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم هر کدام شان پرونده قطوری از سرکوب و جنایت علیه کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان، مبارزین و اقشار دیگر مردم ایران را بر دوش دارند. همانطور که اشاره گردید تنها یک مورد آن، کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ با شرکت فعال رئیسی جلاد می باشد. واقعیت این است که دیکتاتوری عریان رژیم حاکم هدفی به جز نگهداری سیستم سرمایه داری وابسته و خدمت به اربابانش را در سر نمی پروراند. در همان حال در شرایط ملتبه جامعه ایران روزی نیست که مبارزات دلیرانه و اعتراضات و اعتصابات سراسری کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های ستمدیده سلطه رژیم ارتجاعی حاکم را به لرزه در نیاورد و شعار سرنگونی این دیکتاتوری را در راس شعارها قرار ندهد. همانطور که می دانیم بعد از انتصاب رئیسی قاتل در ۲۸ خرداد بلافاصله شاهد اعتصابات کارگری (اعتصاب کارگران نفت) بودیم که می دانستند با وعده های رئیسی، سفره خالی آنها پر نخواهد شد. همچنین ما شاهد همبستگی و روحیه مبارزاتی بیشتری را در شهرهای مختلف ایران بوده ایم که سرنگونی این رژیم را هدف بی قید و شرط خود قرار دادند.

امروز با گذشت بیش از ۴۳ سال از حاکمیت ننگین رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی که دستاوردی به جز سرکوب، کشتار و شکنجه، فقر و فلاکت، بیکاری، تورم و هزاران مصائب و مشکلات دیگر در بر نداشته به طور آشکار جامعه ما شاهد یک مبارزه طبقاتی تمام عیار می باشد که در یک سوی این مبارزه کارگران، زحمتکشان و دیگر توده های تهیدست و ستمدیده شهر و روستا قرار دارند و در سوی دیگر آن امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته به آن ها می باشند که از طریق رژیم جمهوری اسلامی با تکیه به ارتش ضد خلقی و دیگر نیروهای تا بن دندان مسلح به سرکوب مبارزت و مطالبات توده ها مشغولند. از همین روست که سرنوشت توده های زحمتکش و در بند ایران در میدان مبارزه بین این دو قطب تعیین می شود.

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی به مثابه ربنای سیستم اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه داری وابسته بدون تکیه بر قهر و سرکوب، کشتار، خفقان، ترور، شلاق و برپا کردن اعدام و شکنجه قادر به ادامه حیات نمی باشد. به همین دلیل هم این سیستم برای بقای چند روزه خود نیاز به مهره های جنایتکار و شکنجه گران در بالاترین پست های دولتی را دارد. رژیم سفاک جمهوری اسلامی بنا بدلیل ماهیت وابسته به امپریالیسم مجری وظایفی است که اربابانش بر عهده او گذاشته اند، به همین دلیل هم نه می تواند و نه می خواهد، کوچک ترین گرهی را از مصائب و مشکلات مردم را بر طرف کند.

در خاتمه باید تاکید کنم که تجربه ثابت کرده که راه رهایی مردم ما نه از صندوق های رای، نه از راه مبارزات مسالمت آمیز و نه از توصیه های نصیحت وار و ناله های مودبانه اصلاح طلبان بلکه از دل همین مبارزات توده های دلیر و آگاه پیش می رود که امروز با خیزش هایشان صاحبان قدرت این رژیم و اربابان جنایتکارشان را به وحشت انداخته اند. بنابراین کارگران، زحمتکشان، مبارزین، گرسنگان، تهیدستان، زنان و جوانان با عزم و قاطعیت در هم شکستن کلیت نظام ظالم را در راس مبارزات خود قرار داده اند و برای نان، کار و آزادی و از بین بردن دردها و رنج هایشان به پا خاسته اند. این ستمدیدگان، سرنگونی رژیم دار و شکنجه را نشانه گرفته اند که تنها از طریق تسلیح خود و مبارزه مسلحانه علیه دشمنان خلق ایران امکان پذیر می باشد. تجربه نشان داده که راه دیگری جز این در مقابل کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه وجود ندارد.

مرداد ۱۴۰۱
اکبر نوروزی